

تأملی در ترجمه کاربردهای مختلف «بعضکم بعضاً»

عبدالوهاب طالقانی

در شماره ۱۶ ترجمان وحی، مقاله‌ای از جناب آقای کریمی نیا درج شده است. در قسمتی از این نوشتار (صفحه ۱۰) چنین آمده است:

از مهم‌ترین ترکیب‌هایی که با «بعض» ساخته می‌شود، تعابیری چون: بعضکم ببعض، بعضهم علی بعض، بعضنا لبعض و... است. این تعابیر و امثال آنها همگی از سه بخش تشکیل یافته‌اند:

الف) دوبار کلمه «بعض».

ب) ضمیری چون: نا، هُم، کُم و گاه «ه» یا «ها».

ج) یکی از حروف جز مانند: باء، فی، علی، لام، مین. گاه به جای این حروف جز نشانه مفعولی، فاعلی، ابتدائیت و مانند آن جایگزین می‌شود.

بیش از ۹۰٪ از کاربردهای کلمه «بعض» در قرآن کریم چنین ساختاری دارند که در زبان عربی اصطلاحی خاص به شمار می‌آید. در واقع این تعبیر، مفهوم «یکدیگر / همدیگر» را در زبان عربی می‌رساند و ترجمه لفظ به لفظ آن در زبان فارسی یا هر زبان دیگری نادرست است.

در قسمت دیگر (صفحه ۱۳) چنین آمده:

با این همه، وقتی به سراغ ادیبانی چون سوراآبادی (قرن پنجم)، میبیدی (قرن ششم) یا مؤلف تفسیر قرآن مجید کمبریج (در میانه قرون چهارم تا ششم) می‌رویم، ترجمه ایشان از اغلب یا اکثر موارد به کار رفته این اصطلاح در قرآن کریم را صحیح و سراسر می‌یابیم. چند نمونه صحیح از ترجمه‌های کهن به فارسی را می‌خوانیم:

تفسیر قرآن مجید کمبریج

«قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ؛ گفتند از ما مترس که ما هر دو خصمانیم، و از ما بر یکدیگر ستم است» (ص، ۲۲)...

قرآن کریم، با ترجمه اول از: کشف الاسرار میبیدی:

«وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا؛ و برداشتیم ایشانرا زبر یکدیگر در عزّ و در مال پایه‌ها افزودنی تا یکدیگر را به چاکری و بندگی گیرند و زیردستی سازند» (زخرف، ۳۲). پایان نقل قول از ص ۱۳.

اصولاً ابطال و یا نقض آرای گذشتگان و اظهار نظر قطعی، بررسی و استقصای کامل را می‌طلبد. انتظار می‌رفت محقق بزرگوار تمامی آیات مورد بحث را با دقت بررسی می‌کردند و پس از مقایسه، نظر نهایی را اعلام می‌داشتند. در مورد ترجمه آیه «خصمان بغی بعضنا علی بعض» بهتر است تمامی آیه را با آیات قبل و بعد آن مرور کنیم تا ترجمه صحیح آیه به دست آید:

و هَلْ أَتَيْكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ * إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفُلْنَاهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ * قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ... (ص، ۲۱ تا ۲۴).

در این آیات محور بحث فقط دو نفر هستند، یکی شاکلی و دادخواه و دیگری متهم و ظالم، و پاسخ داود مطلب را روشن می‌کند: لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ... بنابراین، ترجمه تفسیر قرآن مجید کمبریج که صحت آن مورد تأیید نویسنده قرار گرفته، نادرست و ترجمه‌ای که نادرست پنداشته‌اند، صحیح است.

(مادو دادخواهیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است)

و نیز ترجمه آیه ۳۲ سوره زخرف از کشف الاسرار میبیدی که آن را برای ادعای خود شاهد آورده و صحیح پنداشته‌اند، نادرست است.

با نقل تمامی آیه و توجه به کاربرد لغات، ترجمه صحیح به دست می‌آید: أَهْمُ يَفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (زخرف، ۳۲)

فعل: «رفعنا» و استعمال کلمه «فوق» بین دو بعض، به منظور برتری دادن گروهی بر گروه دیگر و قرار دادن مقام گروهی فوق گروهی، بهترین دلیل است بر نادرست بودن ترجمه «یکدیگر» که مورد استشهاد آقای کریمی نیا قرار گرفته است.

شایسته است در کاربرد اصطلاح «یکدیگر» با دقت تأمل کنیم و بپذیریم که «یکدیگر» یعنی فردی و یا گروهی زمانی فاعل است و طرف مقابل مفعول؛ برعکس، لحظاتی بعد همان فاعل در جایگاه مفعول قرار می‌گیرد و مفعول در جایگاه فاعل.

تأملی در ترجمه کاربردهای مختلف «بعضکم بعضاً» ۲۱ □

شواهد قرآنی:

(۱) إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (ص، ۶۴)

تخاصم: با یکدیگر منازعه و ستیزه کردن.

(۲) وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ.

(۳) وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ... (كهف، ۲۱)

و در رستاخیز هیچ شک نیست، آن گاه که با یکدیگر در کار خویش (مسئله معاد)

گفت و گو و ستیزه می کردند.

(۴) عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ (نبا، ۲-۱)

تساؤل از یکدیگر پرسیدن.

(۵) وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا... (حجرات، ۹)

هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند (با هم کارزار کنند) میان آنها صلح

برقرار سازید.

اکنون به ترجمه آیه می پردازیم:

آیا آنان رحمت پروردگار تو را بخش می کنند؟ ماییم که میان آنها معاش آنها را بر زندگی

دنیا بخش کرده ایم و برخی را در برخی برتری دادیم تا برخی گروه دیگر را به خدمت گیرند

(از نظر درجات برخی را پر دسته دیگر بالاتر قرار دادیم، یعنی گروهی را برتر و گروهی را

پایین، تا در نتیجه این تفاوت، گروهی در خدمت دیگران قرار گیرند).

چنانچه در برخی از استعمالات اصطلاح مورد نظر دقت کنیم، ترجمه «یکدیگر» خطای

محض است و حتماً باید بر خلاف سلیقه و نظریه نویسنده محترم مقاله رأی قدما را پذیرفت

و ترجمه آنها را صحیح دانست.

شواهد قرآنی:

(۱) إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ

بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (آل عمران، ۳۲-۳۳)

ذریه که نمی تواند از یکدیگر به وجود آید، بلکه برخی فرزندانگان برخی دیگرند.

(فرزندانی که بعضی از آنها از نسل بعض دیگرند)

(۲) وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ (نساء، ۳۲)

سؤال: آیا از چه چیز نهی شده و مایه درخواست نابجا چه بوده است؟ گروهی را خداوند بر گروه دیگر برتر نموده، لذا می‌فرماید: برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو مکنید (ترجمه مکارم).

(۳) وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ... (نحل، ۷۱)

و خداوند برخی از شما را در رزق و روزی بر برخی دیگر فزونی داد.

(۴) ... وَ يُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ (انعام، ۶۵)

و رنج برخی از شما را به برخی دیگر بچشانند.

(۵) ... يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (انعام، ۱۱۲)

برخی به برخی دیگر به فریب، سخنان آراسته الهام می‌کنند (موسوی گرمارودی)

(۶) وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ (بقره، ۲۵۱)

و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید.

(۷) تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ

(بقره، ۲۵۳)

(۸) وَ كَذَلِكَ نُؤَيِّ بِبَعْضِ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (انعام، ۱۲۹)

و اینچنین برخی از ستمکاران را سرپرست برخی دیگر قرار می‌دهیم.

(۹) وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا

آتَيْكُمْ (انعام، ۱۶۵)

(۱۰) ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ (نور، ۴۰)

تاریکیهایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است.

قاعده‌ای کلی در ترجمه این اصطلاح

غالباً چنین دیده شده که هر گاه بعض اول، فاعل یا مفعول قرار گیرد و یا بعد از افعال «فَضَّلَ» و «رَفَعْنَا» و امثال آن استعمال شود و بعض دوم، بعد از کلمات «فوق» و «علی» و امثال آن به کار رود، تعبیر «یکدیگر» نادرست است و مواردی که به صورت جمله اسمیه، مبتدا و

تأملی در ترجمه کاربردهای مختلف «بعضکم بعضاً» ۲۳ □

خبر، مضاف و مضاف الیه دیده می‌شود، تعبیر «یکدیگر» صحیح به نظر می‌رسد، مانند:
(۱) وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند.
(توبه، ۷۱)

(۲) الْمُنافِقُونَ وَالْمُنافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ مردن و زنان منافق، همگون یکدیگرند.
(توبه، ۶۷)

(۳) لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا؛ پیامبر را میان خویش چنان
فرانخوانید که یکدیگر را فرا می‌خوانید. (نور، ۶۳)

(۴) أَلَا خَلَاءٌ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ؛ در آن روز، دوستان، دشمن یکدیگرند مگر
پرهیزکاران (زخرف، ۶۷)

(۵) وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ در گفتار با او، بلند سخن مگویید، چنان که
با یکدیگر، بلند سخن می‌گویید (حجرات، ۲). پنج ترجمه از موسوی گرمارودی.

بنابراین، چنانچه ترجمه «یکدیگر» را همه جا صادق بدانیم و در تمامی استعمالات
تسری دهیم و ترجمه لفظ به لفظ را نادرست بدانیم و یا برعکس، هر دو طریق از انصاف
علمی به دور است. استقصای آیات به ما نشان می‌دهد قاعده‌ای که در ترجمه این اصطلاح
ارائه شد می‌تواند در بیشترین موارد صادق آید و سازگار باشد.

انفسکم / انفسهم در معنای یکدیگر

نویسنده محترم در پایان بحث استعمالات مختلف «بعضکم بعضاً» به بیان معانی مختلف
«نفس» می‌پردازد. در صفحه ۲۲ مجله چنین آمده است:

چنان که دیدیم رایج‌ترین، ملموس‌ترین و ساده‌ترین کاربرد نفس / انفس در قرآن کریم،
بیان مفهوم اساسی خود (self) است. اما در میان استعمالات متعدد قرآنی از تعبیر
انفسکم / انفسهم، موارد معدودی هست که نه می‌توان آنها را به خودتان / خودشان ترجمه
کرد و نه برگردان آنها به هیچ یک از صور پیشین ممکن است. کمی دقت در این مثالهای
قرآنی، خواننده آشنا با زبان عربی را به این نتیجه می‌رساند که در ترجمه این آیات باید
از گونه‌ای مفهوم تقابل و عمل طرفینی بهره جست، و تنها معادل موجود در زبان فارسی
برای این مفهوم واژه‌های یکدیگر و همدیگر است.

نویسنده محترم برای تأیید و اثبات نظریه خود (ترجمه یکدیگر و همدیگر) از کتابهایی
مختلف از قبیل: الاشباه و النظائر مقاتل بن سلیمان بلخی والوجوه و النظائر ابو عبدالله حسین بن

محمد دامغانی، آیات ۵۴ و ۸۵ بقره و ۶۶ نساء را شاهد می آورد. نیز وسط صفحه ۲۳ چنین آمده است:

ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۶) می گوید: «فاقتلوا انفسکم ای لَیْقَتْلُ بَعْضُکُمْ بَعْضاً». روشن است که معنای «بعضکم بعضاً» در فارسی همان یکدیگر / همدیگر است. طبری (م ۳۱۰ هجری) نیز در تفسیر این عبارت، ۱۲ روایت از ابن عباس (دو روایت)، مجاهد (۳ روایت)، سعید بن جبیر، قتاده، ابن شهاب، ابوالعالیه، سدی، عبید بن عمرو و ابن اسحاق آورده که در تمامی آنها این عبارت قرآنی به «کشتن یکدیگر» (قاموا صفین، یقتل بعضهم بعضاً، قام بعضهم الی بعض یقتل بعضهم بعضاً) تفسیر و معنی شده است.

نویسنده محترم تمام عبارتهای «بعضهم بعضاً» قداماً را به یکدیگر ترجمه نموده است و حتی عبارت سید مرتضی را در امالی «ومنهم من ذهب الی انه تعالی کلفهم ان یقتل بعضهم بعضاً» در پاورقی چنین ترجمه می کند: خداوند فرمان داده یکدیگر را بکشند.

آیا اگر «مفهوم تقابل و عمل طرفینی» پیشنهاد شما را بپذیریم، چگونه می توان این مفهوم را در عبارت «یقتل بعضهم بعضاً» پیاده نمود؟ آیا آن که کشته می شود، می تواند دیگری را بکشد، تا مفهوم تقابل و طرفینی تحقق یابد؟ مسلماً نه! آنان که گوساله نپرستیدند موظف شدند تا کسانی را که گوساله پرستیدند، بکشند و این است معنای «ان یقتل بعضهم بعضاً». پس مفهوم تقابل و طرفینی، اینجا موردی نخواهد داشت.

نویسنده محترم برای اثبات نظریه خود، نمونه هایی از ترجمه های مختلف نقل کرده است. آیا تعدد اشکال، رفع اشکال می کند؟

شایسته است برای تبیین آیات الهی، از این نوع نمونه ها شاهد آورده شود:

۱. تفسیر شبر: بان یقتل من لم یعبد العجل منکم من عبده.

۲. تفسیر جلالین: ای لَیْقَتْلُ البَرِّیء منکم المجرم.

۳. تقریب القرآن الی الاذهان آیه الله شیرازی:

فاقتلوا انفسکم* بان یقتل من لم یعبد العجل من عبده و لو کان قریبا له، فانه کفارة للقاتل
 حیث سکت و لم یتکلم و للمقتول حیث عبد العجل.

